

باسم رب الشهدا

تبهکاران رژیم کمونیستی خلق برادر علی احمد را در روز بیست و هشتم جدی سال سیزده پنجاه و هفت ربودند و با خیلی از سلحشوران دیگر که در بند دمنشان آن زمان اسیر بودند پیوست. در کشاکش سالها انتظار آمدنش که بیهوده انتظار به هر رهگذرمیکشیدیم با نشر فهرست قربانیان آن سالها توسط کشور هالند دریافتیم که برادرم توسط جانیان خلقی به درجه رفیع شهادت نایل آمده است که گوارای وجودش باد. مگر میشود این جنایت را فراموش کرد مگر میشود این جنایت را بخشید نه هرگز. عدالتخواهی و حق طلبی از خون برادر شهیدم حق من است و این جرم نیست. من به نمایندگی از تمامی بستگان داغدارم برای عاملین این جنایت هولناک در راس آن اسدالله سروری شکنجه و سپس اشد مجازات یعنی اعدام را خواهانم. تا باشد در سرای محشر از گله برادرم که برای ریختن خون نا حقش کاری نکرده ام شرمنده نباشم.

خداوند عدالت را برای آرامش دلها و اصلاح امور قرار داد. اگر عدالت برقرار نشود، عرصه جامعه جولانگاه زور و ستم و غارت و چپاول خواهد شد.

پدرود

حمیده - ناروی

دوستان عزیز
من خواستار به محاکمه کشیدن اسدالله سروری و همدستان خون شام شان را که دست های ناپاک شان که به خون مجاهدین و فرزندان صدیق این کشور رنگین بوده و تاهنوز به هیچ نوع محاکمه کشانیده نشده اند امیدواریم که این صفا کان و جنایتکاران تاریخ را هر عاجل به محظر عام مردم افغانستان محاکمه نموده به جزای اعمالن شان رسانیده شوند.
من یکی از وارثین حاجی صاحب محمد گل پدرم را به تاریخ 24 حمل سال 1358 دستگیروبه جرم مسلمان و مجاهد بودن در ولایت تخار وبعدا به مرکز کابل به دستگاهای جهنمی خاد همان وقت تسلیم وبعدا در همان سال به شهادت رسانیدن شده است.

برادم داکتر عبدالطیف محصیل سال اول پوهنخی اول طب کابل بود در سال 1358 از طرف این جنایتکاران خون شام دستگیر وبعدا به شهادت رسانیدن شده است.
امید وار هستیم که محاکمه اسدالله سروری و شریکان جرمی شان را به محاکمه کشانیده به زخم های مردم رنج دیده و خانواده های شهدا مرحم گزاری نماید.
حفیظ اله عزیز